

Predicting sides of Family Triad Model by spouses' early maladaptive schemas

Masooome Yousefi*
MA Student of Family Counseling
Mona Cheraghi &
Lili Panaghi
Shahid Beheshti University

Abstract: The family is of particular importance in different societies. Family Triad Model is a comprehensive model by Iranian culture. It helps to create a coherent family through three components, we-ness, flexible boundaries, and joining. This study was conducted to predict the sides of the family triad model based on the couple's early maladaptive schemas. This research was a correlation study and the statistical population consisted of all couples living in Tehran. 151 couples responded to the Family Triad Model Scale (FTMS) and short form of Young's schema questionnaire (YSQ-SF). According to analyzed data, Schemas are classified into three categories based on the intensity of impact on the Family Triad Model. The first category is the spouses' ineffective schemas on the sides of the family triad model. In this category, if there is a schema in each of the spouses, the sides of the model are not negatively affected. The second category is the very effective schemas of spouses on the sides of the family and model. In the presence of these schemas in each of the spouses, almost all sides are negatively affected. The third category is schemas with different effects on the sides of the family and model. If schemas in this category are in each of the spouses, the family triad model is affected differently. The results showed that the existence of schema in husbands has a more destructive effect on the family triad model. The results of the study are predictive for the quality of marital relations and the quality of spouses' relations with main and in-law families. Therefore, these results are useful in family and couple counseling.

Keywords: Family Triad Model (FTM), early maladaptive schemas, couple, marital relationship, relationship with in-laws

m.s.yousefi.s@gmail.com

* نویسنده مسوول: کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، پست الکترونیکی:

Received: 2 Apr 2020

Accepted: 11 Jul 2020

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۶

دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۸

پیش‌بینی اضلاع مدل سه‌گانه خانواده با استفاده از طرحواره‌های ناسازگار اولیه

همسران

معصومه یوسفی

مشاوره خانواده

مونا چراغی و

لیلی پناغی

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده: خانواده در جوامع مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مدل سه‌گانه خانواده، یک مدل جامع خانواده متناسب با فرهنگ ایران است که از طریق مولفه‌های مابودن، مرزهای منعطف و پیوستن به ایجاد انسجام در خانواده کمک می‌کند. این پژوهش با هدف پیش‌بینی اضلاع مدل سه‌گانه خانواده براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه همسران انجام شد. پژوهش حاضر از نوع همبستگی و جامعه آماری آن متشکل از کلیه زوج‌های ساکن شهر تهران بود. ۱۵۱ زوج شرکت‌کننده در پژوهش حاضر به مقیاس سه‌گانه خانواده (FTM Scale) و فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (YSQ-SF) پاسخ دادند. براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، طرحواره‌ها بر اساس شدت تاثیر بر اضلاع مدل سه‌گانه خانواده در سه دسته طبقه‌بندی شدند. دسته اول، طرحواره‌های کم اثر همسران بر اضلاع مدل سه‌گانه خانواده است. در این طرحواره‌ها، در صورت ابتلای هر یک از همسران اغلب اضلاع مدل تاثیر منفی نمی‌پذیرند. دسته دوم، طرحواره‌های بسیار موثر همسران بر اضلاع مدل سه‌گانه خانواده است. طرحواره‌های این دسته در صورت ابتلای هر کدام از همسران تقریباً همه اضلاع را تحت تاثیر منفی قرار می‌دهند. دسته سوم، طرحواره‌های با تاثیر متفاوت در همسران بر اضلاع مدل سه‌گانه خانواده است. طرحواره‌های این دسته در صورت ابتلای زن یا شوهر به صورت متفاوتی بر مدل سه‌گانه خانواده اثرگذار هستند. نتایج پژوهش نشان داد وجود طرحواره در شوهران اثر مخرب‌تری بر مدل سه‌گانه خانواده دارد. نتایج پژوهش حاضر، برای کیفیت روابط زناشویی و کیفیت روابط همسران با خانواده‌های اصلی و سببی جنبه پیش‌بینی‌کنندگی دارد. لذا می‌توان از این نتایج در مشاوره‌های خانواده و زوجین استفاده نمود. واژه‌های کلیدی: مدل سه‌گانه خانواده، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، همسران، رابطه زناشویی، رابطه با خانواده همسر

شخصیتی مشابهی در زنان و مردان پیش‌بینی کننده مولفه‌های مابودن، پیوستن و مرزهای منعطف است. پژوهش اسدزاده گلجاهی (۱۳۹۶) به مقایسه وضعیت اضلاع مدل در همسران متقاضی و غیرمتقاضی طلاق پرداخته است. نتایج به دست آمده از این پژوهش حاکی از آن هستند که سه عامل مرزهای منعطف، مابودن و پیوستن در دو گروه مذکور از تفاوت معنی‌داری برخوردارند. نتایج پژوهش ابراهیمی (۱۳۹۶) بین دو گروه همسران با قومیت^۷ مشترک و همسران بدون قومیت مشترک، در سه عامل مابودن، پیوستن و مرزهای منعطف تفاوت معناداری گزارش نکرده است. کارآیین (۱۳۹۶) به مطالعه مولفه‌های مدل سه‌گانه خانواده در مراحل مختلف چرخه خانواده^۸ پرداخته است. زمانی‌فر (۱۳۹۵) در مطالعه کیفی عوامل موثر بر هویت زوجی^۹ در همسران ایرانی، از مقیاس سه‌گانه خانواده (چراغی، ۱۳۹۶) استفاده کرده است و به صورت اختصاصی عامل مابودن را در این سیستم مورد بررسی قرار داده است.

مشاهدات چراغی و همکاران (۲۰۱۹)؛ رستمی، نوایی‌نژاد، فرزاد، (۱۳۹۸) نشان داده‌اند که به جز عوامل عرضی^{۱۰} که در زمان حال بر شکل‌گیری اضلاع مدل سه‌گانه خانواده اثرگذار هستند، عوامل طولی^{۱۱} و تاریخیچه‌ای نیز می‌توانند بر مفاهیم یاد شده اثر بگذارند. این عوامل پیش‌بینی کننده به تجارب تحولی^{۱۲} هر یک از افراد مرتبطند و باعث شکل‌گیری نگرش‌های افراد نسبت به روابط سببی^{۱۳} و نسبی^{۱۴} می‌گردند (چراغی و همکاران، ۲۰۱۹). بررسی‌ها نشان می‌دهد که ظاهراً درباره جزئیات عوامل طولی و تاریخیچه‌ای که می‌توانند تاثیر قابل توجهی بر اضلاع مدل سه‌گانه خانواده داشته باشند، پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است. بنابراین با توجه به اثر-گذاری عوامل یاد شده بر شکل‌گیری نگرش‌های افراد و به تبع آن کیفیت اضلاع سه‌گانه مدل، مطالعه در این خصوص مهم به نظر می‌رسد.

وقتی سخن از عوامل تحولی، تجارب رشدی و تاثیرات آن‌ها بر شکل‌گیری نگرش‌ها، احساسات و آمادگی رفتار به شیوه

مقدمه

در کلیه جوامع خانواده^۱ نهادی مهم و درخور توجه تلقی می‌شود، اما تعریف و نگرشی که در هر جامعه به خانواده وجود دارد با جوامع دیگر تفاوت‌های زیاد و گاهی بنیادی دارد. یکی از مدل‌های جامع مطابق با فرهنگ ایران که در زمینه خانواده و وضعیت بهینه روابط در آن ارائه شده است، مدل سه‌گانه خانواده^۲ نام دارد؛ که توسط چراغی، مظاهری، موتابی و همکاران (۲۰۱۹) مطرح شده است. مدل سه‌گانه خانواده به نوعی اولین پژوهش عمیق در جهت شناخت مسئله مهم ارتباط همسران با دو خانواده اصلی در جامعه ایران محسوب می‌شود. طبق مدل مذکور مفهوم خانواده تنها به عنوان پیوند بین زن و شوهر و فرزندان نیست. بلکه خانواده ایرانی حداقل متشکل از چهار جزء زن، شوهر، خانواده زن و خانواده شوهر است. طبق این مدل بین همسران و خانواده‌های اصلی یکدیگر، روابط مثلثی ایجاد می‌شود. مثلث مذکور شامل سه ضلع ارتباط همسران، ارتباط با خانواده اصلی و ارتباط با خانواده سببی است. کیفیت روابط هر یک از اضلاع بر کیفیت روابط در سایر اضلاع تاثیر خواهد داشت. در حالت بهینه هر یک از اضلاع ویژگی شاخصی را داراست. در ضلع مربوط به رابطه همسران مهمترین مقوله، ما بودن^۳ بین همسران است. در ضلع مربوط به رابطه هر یک از همسران و خانواده سببی مهمترین مقوله پیوستن^۴ است. در ضلع رابطه بین هر یک از همسران و خانواده اصلی‌شان مهمترین مقوله مرزهای منعطف^۵ است (چراغی و همکاران، ۲۰۱۹).

با وجود جامعیت مدل سه‌گانه خانواده و اتکاء آن بر شواهد و پژوهش‌های بومی، این مدل همچنان نو محسوب می‌شود و پژوهش‌های اندکی درباره اضلاع آن و متغیرهای همبسته و پیش‌بینی کننده آن صورت گرفته است.

محب (۱۳۹۶) در پژوهش خود به رابطه بین اضلاع سه‌گانه این مدل با ویژگی‌های شخصیتی^۶ همسران پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داده‌اند که ویژگی‌های

7. nationality
8. family cycle
9. marital identity
10. cross-sectional factors
1. longitudinal factors
2. evolutionary
13. in-laws
14. main family

1. family
2. family triad model
3. we-ness
4. joining
5. flexible boundaries
6. personality characteristics

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه آماری تحقیق، تمامی همسران ساکن شهر تهران بود و نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد. پرسشنامه‌های کاغذی داخل پاکت دربسته در میان شرکت‌کنندگان پخش شد. از میان ۳۰۰ زوج پرسشنامه پخش شده، ۱۶۶ زوج پرسشنامه عودت داده شد و از میان آن‌ها اطلاعات مربوط به ۱۵۱ زوج مورد تحلیل قرار گرفت. ۱۵ پرسشنامه به دلایلی نظیر عدم دقت نظر کافی شرکت‌کنندگان در پاسخ دادن به سوالات، پاسخ‌های ناقص به پرسشنامه‌ها یا داشتن معیار خروج از پژوهش، از فرایند تحلیل حذف شدند. معیارهای ورود به نمونه، گذشتن حداقل یک سال از زندگی مشترک و در قید حیات بودن حداقل یک عضو اصلی خانواده اعم از پدر، مادر، خواهر یا برادر در خانواده‌ی هردو همسر بودند. ملاک‌های خروج از پژوهش عبارت بودند از عدم پاسخدهی به ده درصد سوالات در هر یک از پرسشنامه‌ها و شرکت نکردن یکی از همسران در پژوهش. میانگین سنی کل نمونه ۳۶/۷۷ سال ($SD=7/26$) و سن مردان در بازه ۲۲ تا ۵۸ سال با میانگین ۳۸/۸۲ ($SD=7/52$) و سن زنان در بازه ۱۸ تا ۵۲ سال با میانگین ۳۴/۶۴ ($SD=7/38$) بود. طول مدت زمان زندگی مشترک شرکت‌کنندگان در این پژوهش، در بازه ۱ تا ۳۳ سال و دارای میانگین ۱۲/۲۴ ($SD=7/86$) بود.

ابزار سنجش

مقیاس مدل سه‌گانه خانواده (FTMS)^{۱۱}. این مقیاس توسط چراغی، مظاهری، موتابی و همکاران (۱۳۹۶) با هدف سنجش کیفیت روابط همسران و خانواده‌های اصلی آن‌ها ساخته شده است و اطلاعاتی را در سه بعد ما بودن همسران، مرزهای منعطف هر یک از همسران با خانواده اصلی خودشان (از دیدگاه همسر) و پیوستن هر یک از همسران به خانواده سببی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. مقیاس دارای ۸۷ گویه می‌باشد که در آن ۱۸ گویه به عامل ما بودن، ۳۵ گویه به وجود

خاصی به میان می‌آید مفهوم طرحواره‌های اولیه به ذهن خطور می‌کند. تاثیر شرایط اولیه رشد بر موقعیت‌های بعدی زندگی توسط یانگ^۲، کلووسکو^۳، ویشار^۴ (۲۰۰۳) با عنوان طرحواره‌های اولیه مطرح شده است.

طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۵ الگوهای هیجانی و شناختی خود-آسیب‌رسانی^۶ هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته‌اند و در سیر زندگی تکرار می‌شوند. هجده طرحواره ناسازگار اولیه در پنج حوزه، بر طبق پنج نیاز هیجانی اساسی ارضا نشده دوران کودکی معرفی شده است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

در پژوهش انجام گرفته توسط دمیترسکو و روسو (۲۰۱۲)؛ افتخاری، حجازی و یزدانی، (۲۰۱۸) نتایج بیانگر این مطلب هستند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میزان رضایت زناشویی^۷ رابطه عکس دارند. همچنین طرحواره‌ها جذابیت فرد برای انتخاب شدن به عنوان همسر را کاهش می‌دهند (دمیترسکو و روسو، ۲۰۱۲). نتیجه پژوهش کروک (۲۰۱۷) نشان‌دهنده تاثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تمایلات روان-شناختی افراد در روابط صمیمی است.

نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند طرحواره‌های ناسازگار اولیه با خشونت زناشویی^۸ (پییم، مادالنا و فالکه، ۲۰۱۲)، تعارضات زناشویی^۹ (پیروی، بهرامی، ۱۳۹۶) و طلاق عاطفی^{۱۰} (لعل‌زاده کندکلی، اصغری ابراهیم‌آباد، حصارسرخ، ۱۳۹۴) همبستگی مثبت دارند.

با توجه به جامعیت و جدید بودن نظریه مدل سه‌گانه خانواده، به نظر می‌رسد لازم است پژوهش‌های بیشتری در راستای درک بهتر اجزای این مدل و متغیرهای پیش‌بینی-کننده آن صورت گیرد. بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با اضلاع مدل سه‌گانه خانواده می‌تواند درک و شناخت بهتری از این مدل ایجاد نماید. با توجه به آنچه گفته شد هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال اساسی بود که آیا می‌توان اضلاع مدل سه‌گانه خانواده را با استفاده از طرحواره‌های ناسازگار اولیه همسران پیش‌بینی نمود؟

11. Family Triad Model Scale (FTMS)

1. schema
2. Young, J.
3. Klosko, J.
4. Weishaar, M.
5. early maladaptive schemas
6. self-destructive
7. marital satisfaction
8. marital violence
9. marital conflicts
10. emotional divorce

دیگر جهت‌مندی و طرحواره‌های منفی‌گرایی / بدبینی و تنبیه از حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری در این پرسشنامه سنجیده نمی‌شود. اصل پرسشنامه به زبان انگلیسی بوده که توسط صاحبی (۱۳۸۲)؛ به نقل از آهی، محمدی‌فر و بشارت، همکاران (۱۳۸۶) به فارسی برگردانده شده است. در پژوهش آهی و همکاران (۱۳۸۶) برای اطمینان از صحت ترجمه و مطابقت کامل دو نسخه انگلیسی و فارسی از روش ترجمه معکوس و چندین مرحله بازبینی و اصلاحات استفاده شده است. سنجش پایایی و اعتبار این پرسشنامه با استفاده از نمونه‌ای ۳۸۷ نفری از جامعه دانشگاهی تهران که به شیوه تصادفی چند مرحله-ای انتخاب شده‌اند، انجام شده است. برای سنجش همسانی درونی این پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضرایب آلفای کرونباخ مربوط به همسانی درونی فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ برای زیر مقیاس‌های مختلف از ۰/۷۲ تا ۰/۹۰ بدست آمد. این ضرایب تایید کننده همسانی درونی هستند. برای اعتباریابی فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ از پرسشنامه SCL-25^۸ ساخته شده توسط نجاریان و داوودی (۱۳۸۰)؛ به نقل از آهی و همکاران، (۱۳۸۶) استفاده شده است. این دو پرسشنامه به طور همزمان اجرا شده و همبستگی بین زیر مقیاس‌های دو پرسشنامه مبنای اعتباریابی قرار گرفته است. تحلیل عاملی^۹ داده‌ها به روش مولفه‌های اصلی^{۱۰} با استفاده از چرخش واریماکس^{۱۱} بر روی داده‌های آزمون (۷۵ سوال) صورت گرفته است.

یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌های بدست آمده، از روش وابستگی متقابل عامل-شریک^{۱۲} (APIM) استفاده شد. این روش عمدتاً برای تحلیل داده‌های زوجی به کار می‌رود. با وجود اینکه پژوهش‌های حوزه زوج بسیار رایج شده‌اند، اما تحلیل داده‌های زوجی ممکن است کمی مشکل باشد. نرم‌افزار آنلاین APIM_SEM، برای حل این مشکل طراحی شده است. این

مرزهای منعطف و ۳۴ گویه به عامل پیوستن اختصاص دارد. روش نمره‌دهی به شیوه لیکرت است. پاسخ‌ها به صورت طیفی، متشکل از پنج گزینه هستند و هر سوال نمره‌ای از ۰ تا ۴ را دریافت می‌کند. برخی سوالات به شکل مستقیم و برخی به شکل معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره بالاتر به معنی وضعیت بهتر در هر ضلع مدل سه‌گانه است. متخصصان زوج درمانی و خانواده درمانی توان مقیاس را در سنجش سه عامل ما بودن، پیوستن و مرزهای منعطف از نظر صوری^۱ و محتوایی^۲ مناسب ارزیابی کرده‌اند. برای محاسبه ضریب توافق از ضریب همبستگی درون طبقه‌ای استفاده شده است. ضریب توافق محاسبه شده برای زیر مقیاس ما بودن ۰/۸۴، مرزهای منعطف ۰/۸۱ و پیوستن ۰/۸۶ ($p < ۰/۰۰۱$) است (چراغی و همکاران، ۱۳۹۶). برای بررسی پایایی^۳ مقیاس از دو روش همسانی درونی^۴ و روش آزمون-بازآزمون^۵ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ^۶ برای تمام سوالات مقیاس ۰/۹۸ و برای زیر مقیاس‌های ما بودن، مرزهای منعطف و پیوستن به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۹۶، ۰/۹۷ است. برای بررسی پایایی به شیوه آزمون-بازآزمون ضریب پایایی پس از ۱۵ روز برای کل مقیاس ۰/۹۶ و برای زیر مقیاس‌های ما بودن، مرزهای منعطف و پیوستن به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۹۴، ۰/۹۰ گزارش شده است.

فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار

اولیه (YSQ-SF)^۷. این پرسشنامه ابزاری خود-گزارش‌دهی برای سنجش طرحواره‌هاست، که توسط یانگ (۲۰۰۳) تهیه شده است و شامل ۷۵ عبارت است که در مقیاس لیکرت ۶ نقطه‌ای نمره گذاری می‌شود. نمره هر فرد در هر طرحواره با جمع نمرات ۵ سوال مربوط به آن طرحواره حاصل می‌شود. در این پرسشنامه گویه‌ها به وسیله ۱۵ طرحواره در ۵ حوزه گروه-بندی شده‌اند. طرحواره پذیرش‌جویی/ جلب توجه از حوزه

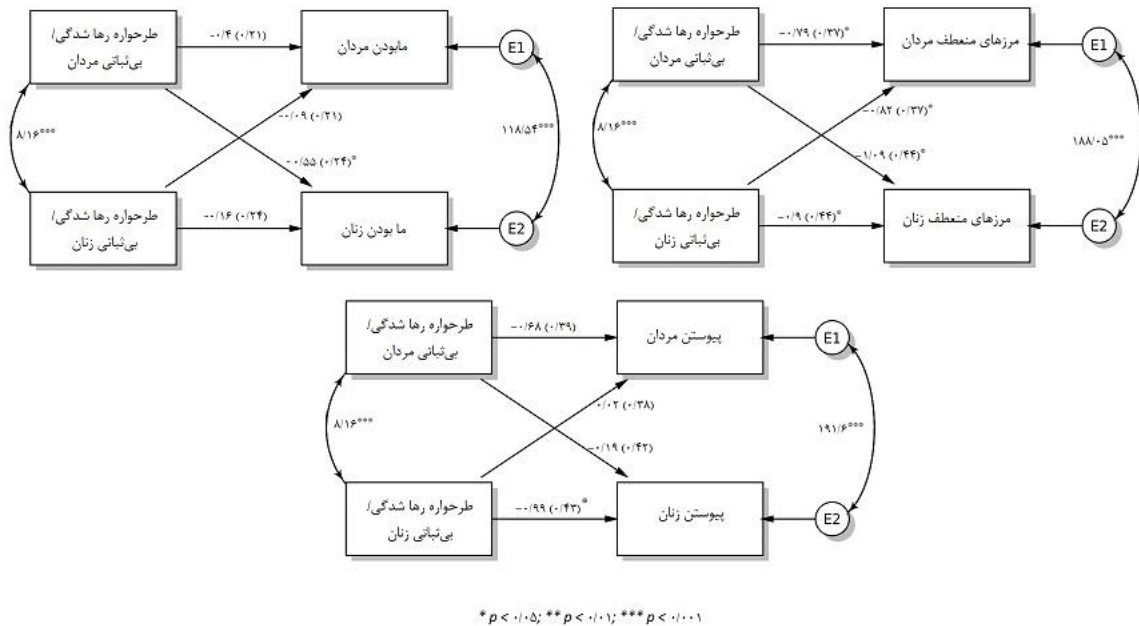
۸. پرسشنامه نشانه‌های اختلالات روانی (نجاریان و داوودی، ۱۳۸۰)
 9. factor analysis
 10. principle component
 11. varimax rotation
 12. Actor-Partner Interdependence Model (APIM)

1. face validity
 2. content related
 3. reliability
 4. internal consistency
 5. test-retest
 6. Cronbach's alpha
 7. Short Fform of Young's Schemas Questionair (YSQ-SF)

در این روش تحلیل می‌توان، تاثیر ویژگی هر فرد (متغیر پیش‌بین) بر متغیر ملاک خودش (اثر عامل - خط راست) و همچنین اثر ویژگی هر فرد بر متغیر ملاک همسرش (اثر شریک برای همسر - خط مورب) را اندازه‌گیری نمود. داده‌های بدست آمده در این پژوهش برای پیش‌بینی هر ضلع مدل (۳ ضلع) بر اساس هر طرحواره (۱۵ طرحواره) مورد تحلیل قرار گرفت.

مطابق یافته‌های پژوهش در طرحواره رهاشدگی/ بی‌ثباتی قابل مشاهده در شکل ۱، در صورت ابتلای شوهر به این طرحواره مرزهای منعطف وی با خانواده اصلی تحت اثر منفی معنی‌دار این طرحواره است. در عین اضلاع مابودن و مرزهای منعطف زن نیز تحت تاثیر منفی معنی‌دار طرحواره شوهر هستند. در صورت ابتلای زن به طرحواره رهاشدگی/ بی‌ثباتی اضلاع پیوستن و مرزهای منعطف وی و همچنین ضلع مرزهای منعطف شوهر با خانواده اصلی تحت تاثیر منفی معنی‌دار طرحواره زن هستند.

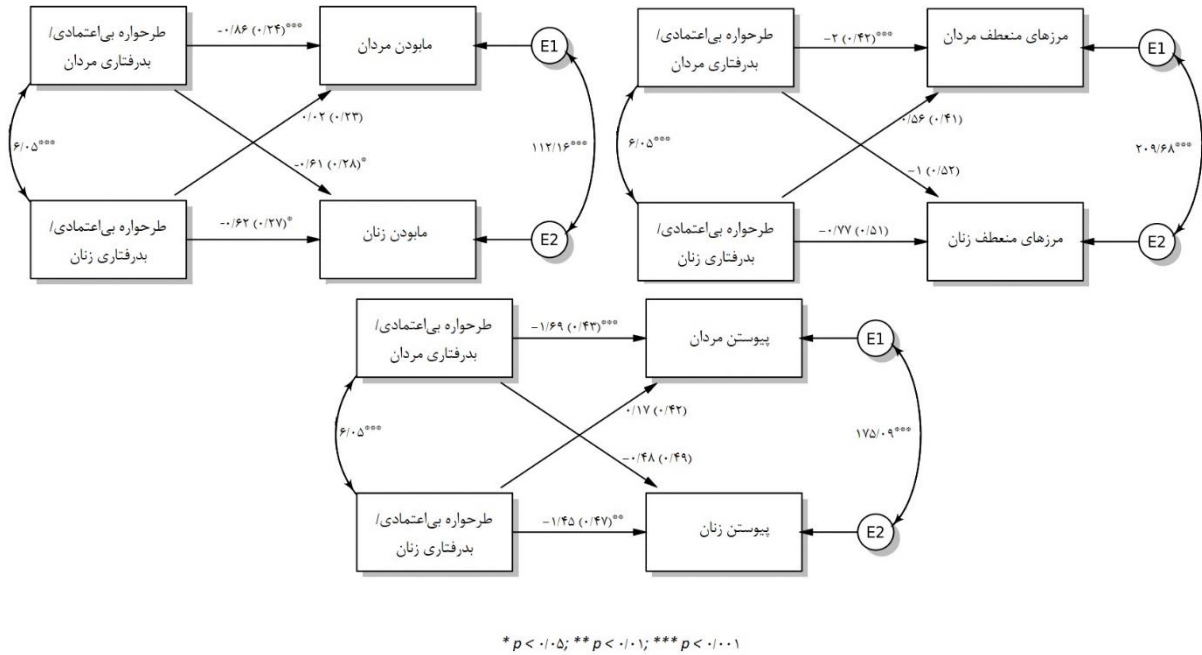
نرم‌افزار تحلیل آماری، مدلسازی معادلات ساختاری را به صورت خودکار انجام می‌دهد. در این روش با گردآوری داده‌های متعلق به هر دو همسر و انتخاب زوج به‌عنوان واحد تحلیل آماری، می‌توان به درکی جامع‌تر از پویایی‌ها و وابستگی‌های متقابل موجود در روابط زناشویی دست‌یافت. استفاده از این روش برای تحلیل داده‌های همسران مبتنی بر این دیدگاه است که افراد نه تنها از ویژگی‌های خود بلکه از ویژگی‌های همسرشان نیز در روابط زوجی تاثیر می‌پذیرند. در تحلیل داده‌های زوجی مهمترین مفهوم عدم استقلال داده‌هاست. با استفاده از روش APIM وابستگی متقابل داده‌ها نه تنها عامل مزاحم در انجام تحلیل نیست، بلکه ماهیت اساسی داده‌های زوجی محسوب می‌شود و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بی‌توجهی به عدم استقلال داده‌ها موجب سوگیرانه شدن نتایج تحلیل آماری یا محدود شدن سوالات پژوهشی می‌شود (استس، کنی و لوئیس، ۲۰۱۸).



شکل ۱. نحوه اثر طرحواره رها شدگی/ بی‌ثباتی بر مدل سه‌گانه خانواده

همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، در طرحواره بی‌اعتمادی/ بد رفتاری در صورت ابتلای شوهر به این طرحواره ضلع مابودن زن و شوهر دوسویه تحت تاثیر منفی طرحواره شوهر است، بدین معنی که هم زن و هم شوهر از مابودن ارزیابی پایینی دارند. همچنین مرزهای منعطف زن با خانواده اصلی و پیوستن شوهر به خانواده سببی تحت تاثیر منفی

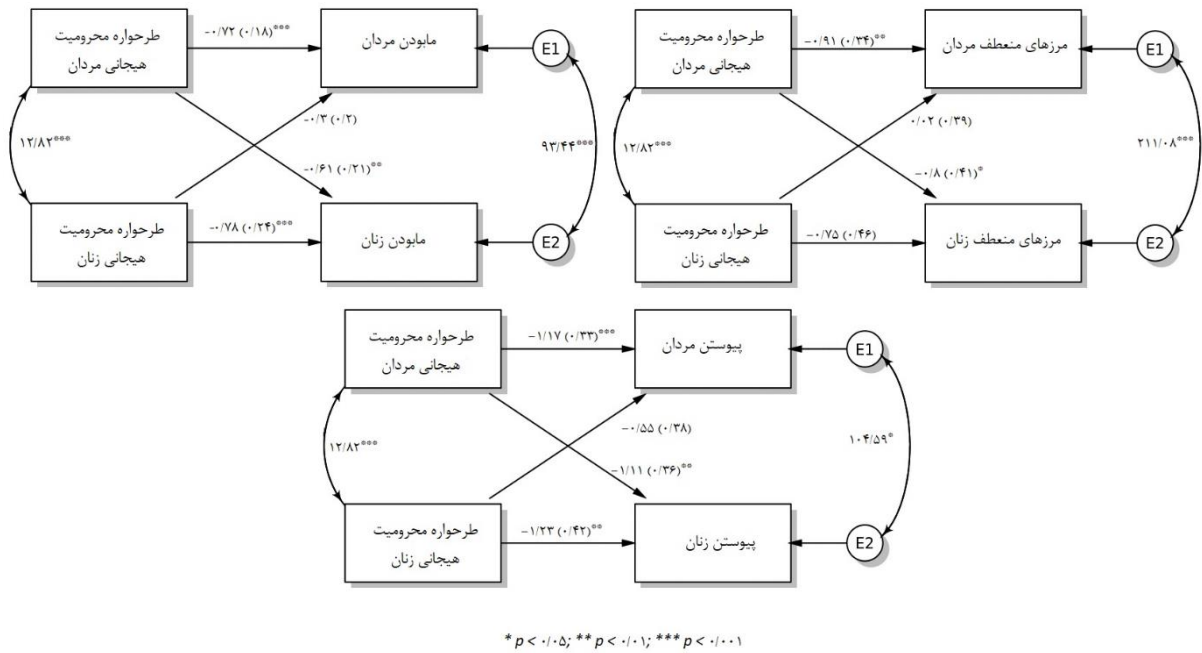
معنی‌دار طرحواره شوهر هستند. در صورت ابتلای زن به طرحواره بی‌اعتمادی/ بد رفتاری مابودن زن و پیوستن زن به خانواده سببی تحت تاثیر منفی معنی‌دار طرحواره هستند. وجود این طرحواره در زن بر اضلاع مدل سه‌گانه در رابطه با شوهر اثر معنی‌دار ندارد.



شکل ۲. نحوه اثر طرحواره طرحواره بی‌اعتمادی/ بد رفتاری بر مدل سه گانه

زن به خانواده سببی و مابودن زن تحت تاثیر منفی معنی دار طرحواره هستند و در مقابل ضلع مرزهای منعطف زن با خانواده اصلی و کلیه اضلاع مربوط به شوهر بدون اثر منفی باقی می‌مانند.

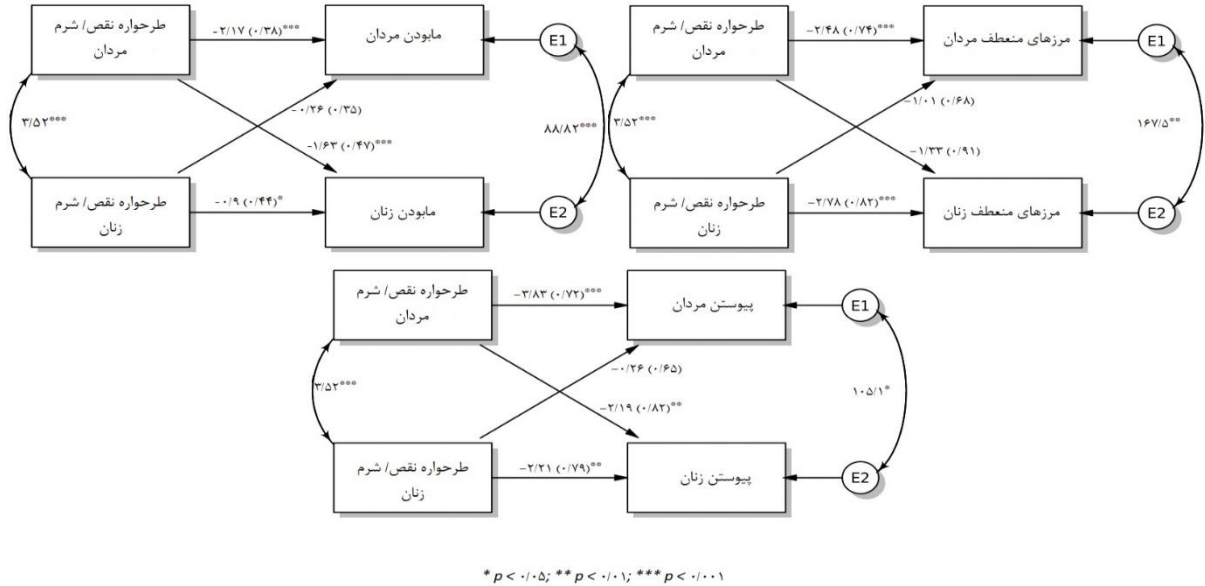
در طرحواره محرومیت هیجانی مطابق شکل ۳، در صورت وجود این طرحواره در شوهر همه اضلاع مدل سه گانه مربوط به زن و شوهر تحت تاثیر منفی معنی دار طرحواره شوهر هستند. در صورت وجود این طرحواره در زن اضلاع پیوستن



شکل ۳. نحوه اثر طرحواره محرومیت هیجانی بر مدل سه گانه خانواده

زن به این طرحواره اضلاع مابودن و پیوستن زن و همچنین ضلع مرزهای منعطف شوهر با خانواده اصلی از طرحواره زن تاثیر منفی معنی دار می پذیرند.

در طرحواره نقص/ شرم طبق شکل ۴، در صورت ابتلای شوهر به این طرحواره به غیر از ضلع مرزهای منعطف شوهر با خانواده اصلی، سایر اضلاع مدل مربوط به زن و شوهر تحت تاثیر منفی معنی دار طرحواره شوهر هستند. در صورت ابتلای

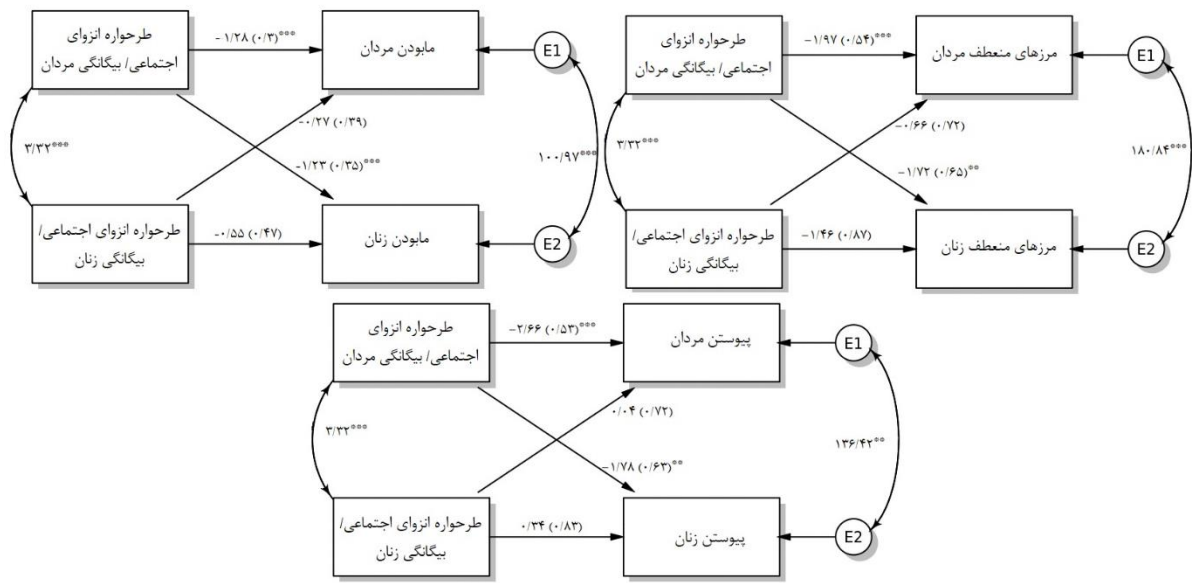


شکل ۴. نحوه اثر طرحواره نقص/ شرم بر مدل سه گانه خانواده

مقابل در صورت وجود این طرحواره در زن هیچیک از اضلاع مدل مربوط به زن و شوهر تاثیر منفی معنی دار نمی پذیرند و همه اضلاع دست نخورده باقی می ماندند.

مطابق مدل های بدست آمده در شکل ۵ برای اثر طرحواره انزوای اجتماعی/ بیگانگی بر مدل سه گانه خانواده، در صورت وجود این طرحواره در شوهر همه اضلاع مدل مربوط به زن و شوهر تحت تاثیر منفی معنی دار طرحواره شوهر هستند و در

Downloaded from ijfp.ir at 14:03 +0430 on Saturday May 1st 2021

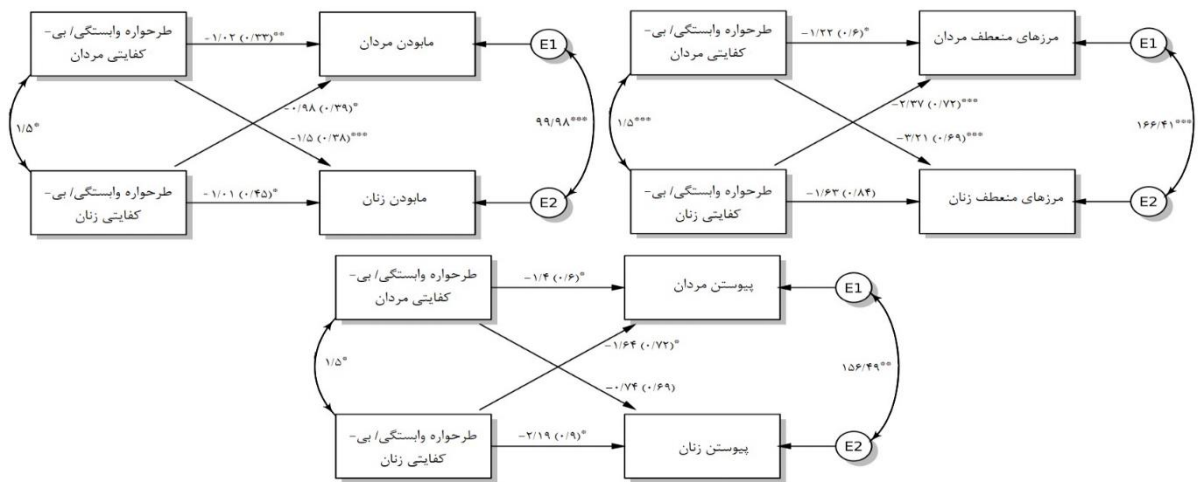


* $p < .05$; ** $p < .01$; *** $p < .001$

شکل ۵. نحوه اثر طرحواره انزوای اجتماعی/ بیگانگی بر مدل سه گانه خانواده

منعطف شوهر با خانواده اصلی همه اضلاع مدل مربوط به زن و شوهر تحت تاثیر منفی معنی دار طرحواره زن هستند. مطابق یافته‌ها این طرحواره آسیب عمده‌ای به انسجام خانواده وارد می‌کند

مطابق مدل طرحواره وابستگی/ بی کفایتی در شکل ۶، در صورت ابتلای شوهر به این طرحواره به غیر از ضلع پیوستن زن به خانواده سببی همه اضلاع مربوط به زن و شوهر تحت تاثیر منفی معنی دار طرحواره شوهر هستند. همچنین در صورت ابتلای زن به این طرحواره به غیر از ضلع مرزهای

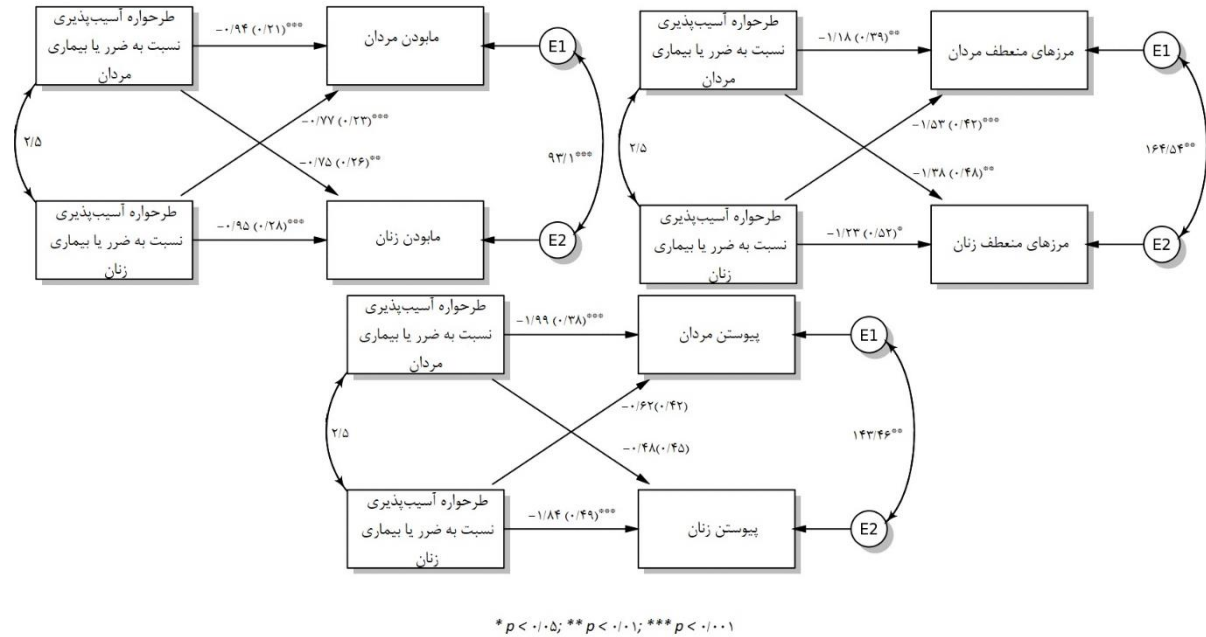


* $p < .05$; ** $p < .01$; *** $p < .001$

شکل ۶. نحوه اثر طرحواره وابستگی/ بی کفایتی بر مدل سه گانه خانواده

اضلاع مدل به غیر از ضلع پیوستن زن به خانواده سببی و در صورت ابتلای زن به این طرحواره همه اضلاع مدل به غیر از ضلع پیوستن شوهر به خانواده سببی تحت تاثیر منفی معنی- دار طرحواره همسران هستند.

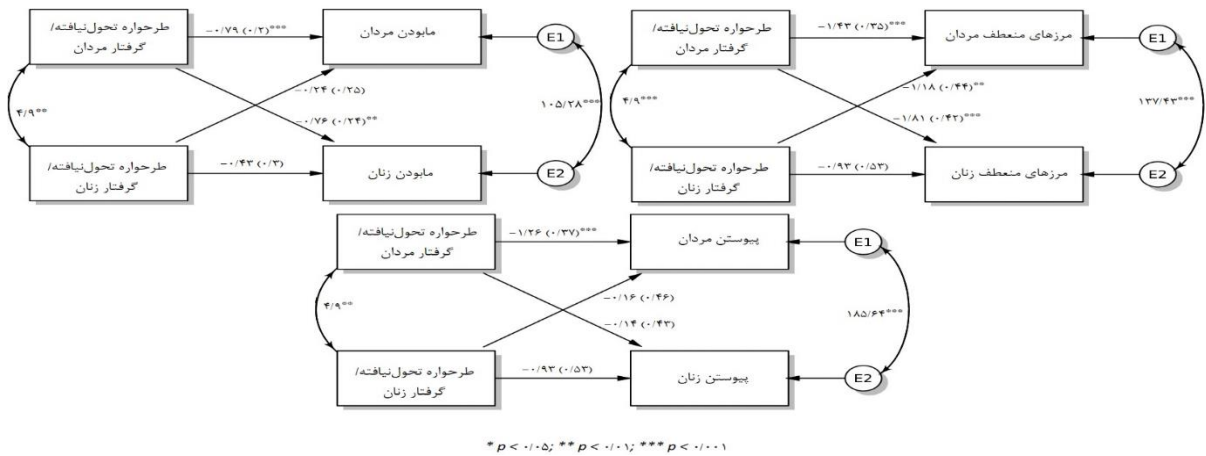
طرحواره آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری بر اساس نتایج قابل مشاهده در شکل ۷، در صورت وجود در هر یک از همسران به مدل سه گانه خانواده آسیب عمده وارد می کند، به این صورت که در صورت ابتلای شوهر به این طرحواره همه



شکل ۷. نحوه اثر طرحواره آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری بر مدل سه گانه خانواده

منفی معنی دار دارد. در مقابل در صورت وجود این طرحواره در زن به غیر از ضلع مرزهای منعطف زن با خانواده اصلی هیچ یک از اضلاع مربوط به زن و شوهر تحت تاثیر منفی معنی دار طرحواره زن نیستند.

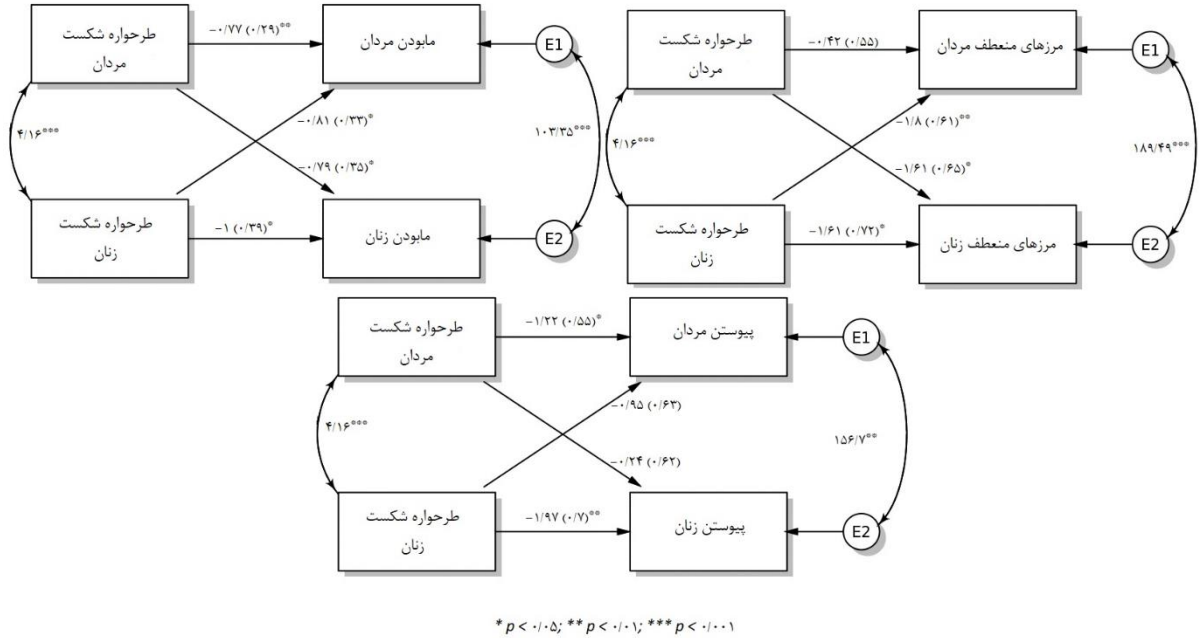
در مورد شکل ۸، نحوه اثر طرحواره خود تحول نیافته/ گرفتار بر مدل سه گانه خانواده می توان گفت وجود این طرحواره در مرد به غیر از ضلع پیوستن زن به خانواده سببی بر سایر اضلاع مدل سه گانه خانواده مربوط به زن و شوهر اثر



شکل ۸. نحوه اثر طرحواره خود تحول نیافته/ گرفتار بر مدل سه گانه خانواده

تأثیر منفی معنی‌دار طرحواره شوهر هستند؛ و در صورت وجود این طرحواره در زن به غیر از یک ضلع پیوستن شوهر سایر اضلاع تحت تأثیر منفی معنی‌دار طرحواره زن هستند.

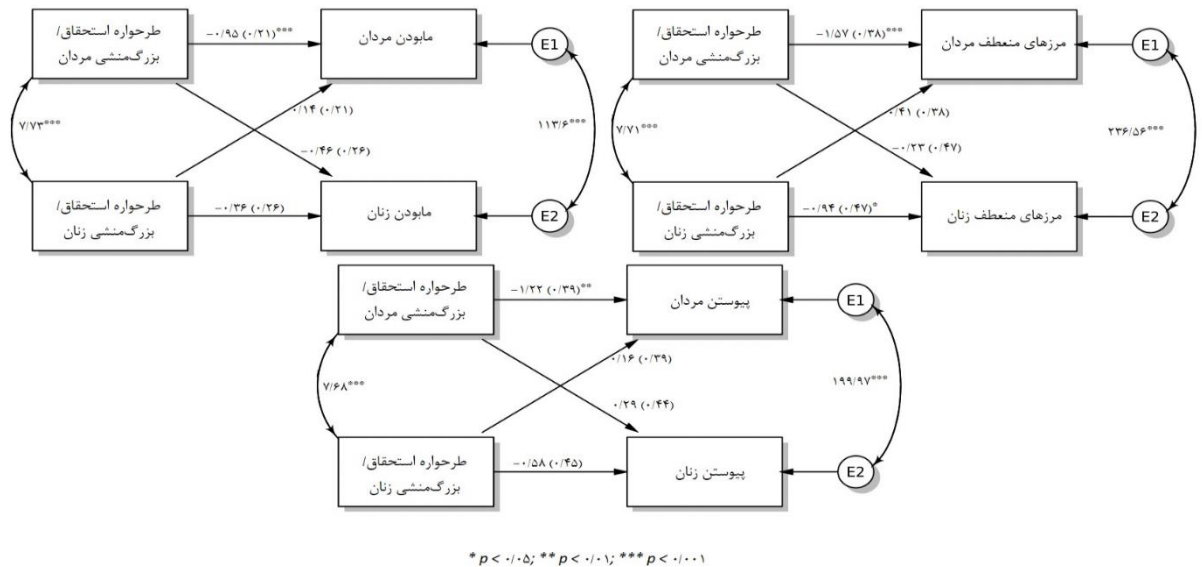
طرحواره شکست نیز می‌تواند آسیب عمده‌ای بر مدل سه‌گانه خانواده وارد کند، بدین صورت که مطابق مدل طرحواره شکست در شکل ۹، در صورت وجود این طرحواره در شوهر همه اضلاع مدل غیر از مرزهای منعطف و پیوستن زن تحت



شکل ۹. نحوه اثر طرحواره شکست بر مدل سه‌گانه خانواده

معنی‌دار طرحواره شوهر قرار می‌گیرند؛ و در صورت ابتلای زن به این طرحواره جز ضلع مرزهای منعطف شوهر سایر اضلاع تحت اثر منفی معنی‌دار طرحواره زن نیستند.

طرحواره استحقاق/ بزرگ‌منشی، مطابق مدل مربوطه در شکل ۱۰ بر اضلاع مدل سه‌گانه خانواده اثرگذار است. در صورت ابتلای شوهر به این طرحواره اضلاع مایودن و پیوستن خودش و ضلع مرزهای منعطف همسرش تحت اثر منفی

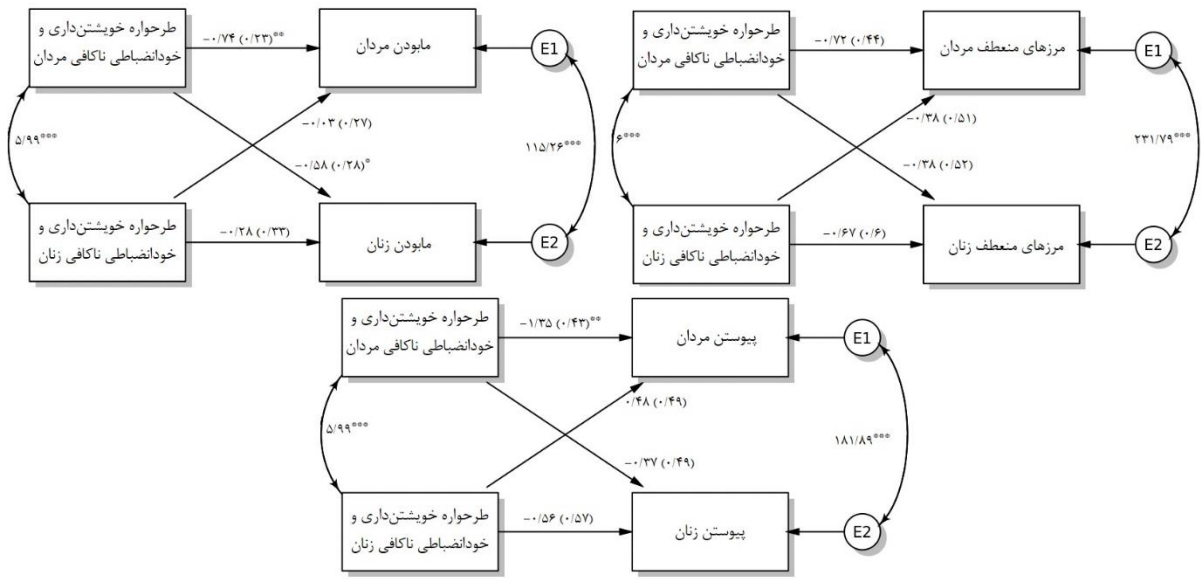


شکل ۱۰. نحوه اثر طرحواره استحقاق/ بزرگ‌منشی بر مدل سه‌گانه خانواده

و شوهر را از جانب هر دو طرف و پیوستن شوهر به خانواده سببی را تحت تأثیر منفی معنی‌دار خودش قرار می‌دهد، در

طرحواره خویشتن‌داری و خودانضباطی ناکافی نیز مطابق شکل ۱۱ در صورت ابتلای شوهر به این طرحواره مایودن زن

مقابل ابتلای زن به طرحواره خویشنداری و خودانضباطی ناکافی بر اضلاع مدل بی اثر است.

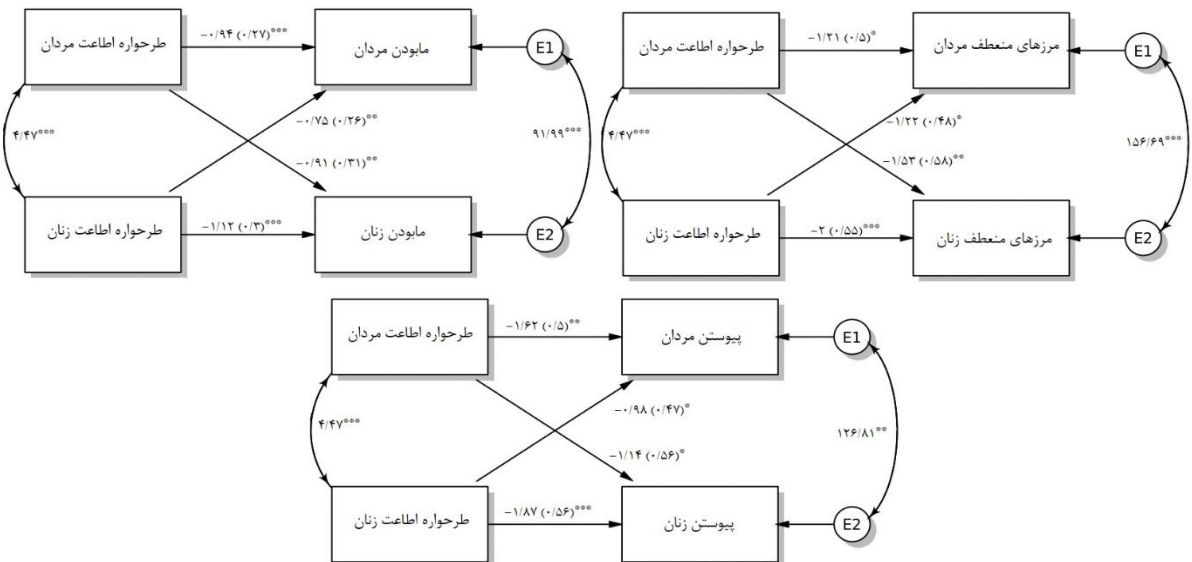


* $p < 0.05$; ** $p < 0.01$; *** $p < 0.001$

شکل ۱۱. نحوه اثر طرحواره خویشنداری و خودانضباطی ناکافی بر مدل سه گانه خانواده

مطابق شکل ۱۲، طرحواره اطاعت در صورت ابتلای هر یک از همسران مدل سه گانه خانواده را تحت اثر منفی عمده قرار می دهد. به این صورت که ابتلای زن یا شوهر به این طرحواره

همه اضلاع مدل سه گانه اعم از مابودن، مرزهای منعطف و پیوستن زن و شوهر تحت اثر منفی معنی دار طرحواره قرار می گیرند.



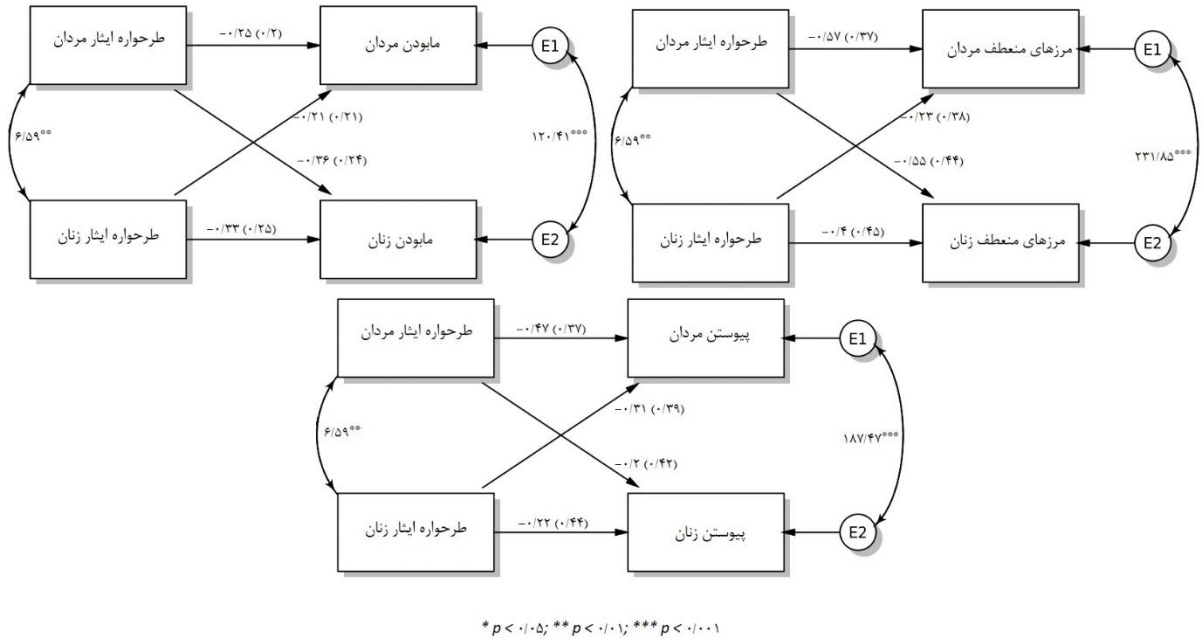
* $p < 0.05$; ** $p < 0.01$; *** $p < 0.001$

شکل ۱۲. نحوه اثر طرحواره اطاعت بر مدل سه گانه خانواده

Downloaded from ijfp.ir at 14:03 +0430 on Saturday May 1st 2021

باشد هیچ یک از اضلاع مدل اعم از مایودن، مرزهای منعطف و پیوستن زن و شوهر تحت اثر منفی معنی‌دار طرحواره قرار نمی‌گیرند.

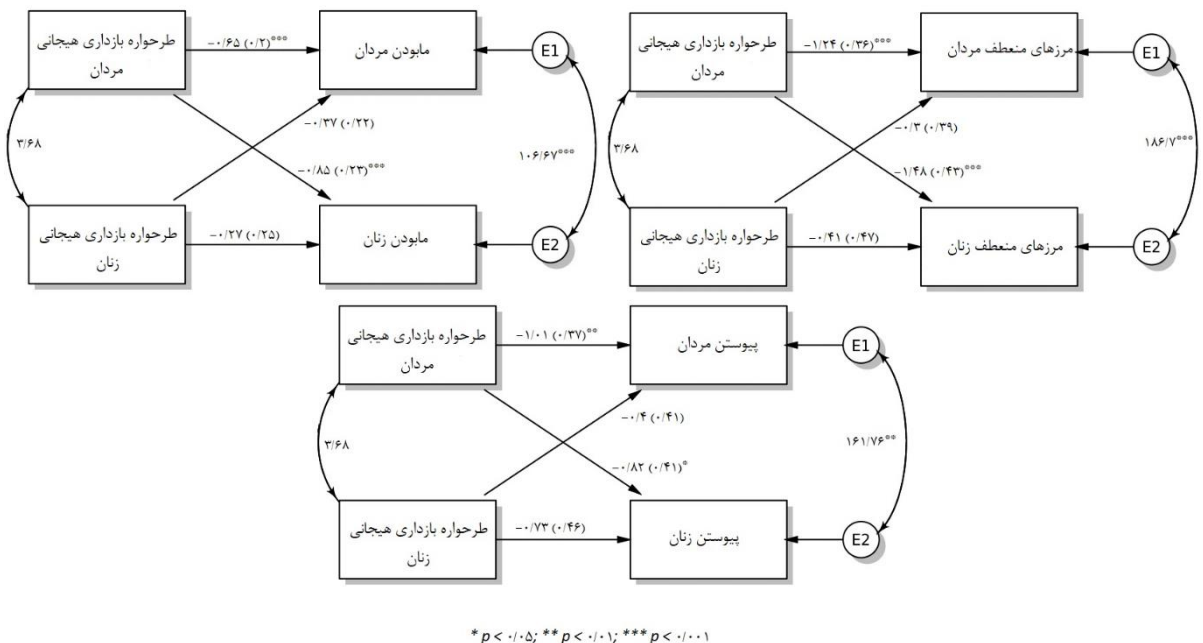
طرحواره ایثار که همراه با طرحواره اطاعت در حوزه دیگر جهت‌مندی جای می‌گیرد دقیقاً اثری مخالف با طرحواره اطاعت بر مدل سه‌گانه خانواده دارد. مطابق شکل ۱۳، در صورتی که طرحواره ایثار در هریک از زن یا شوهر وجود داشته



شکل ۱۳. نحوه اثر طرحواره ایثار بر مدل سه‌گانه خانواده

به زن و شوهر را تحت اثر منفی معنی‌دار قرار می‌دهد؛ در مقابل ابتلای زن به این طرحواره بر همه اضلاع مدل مرتبط با زن و شوهر بی‌اثر است.

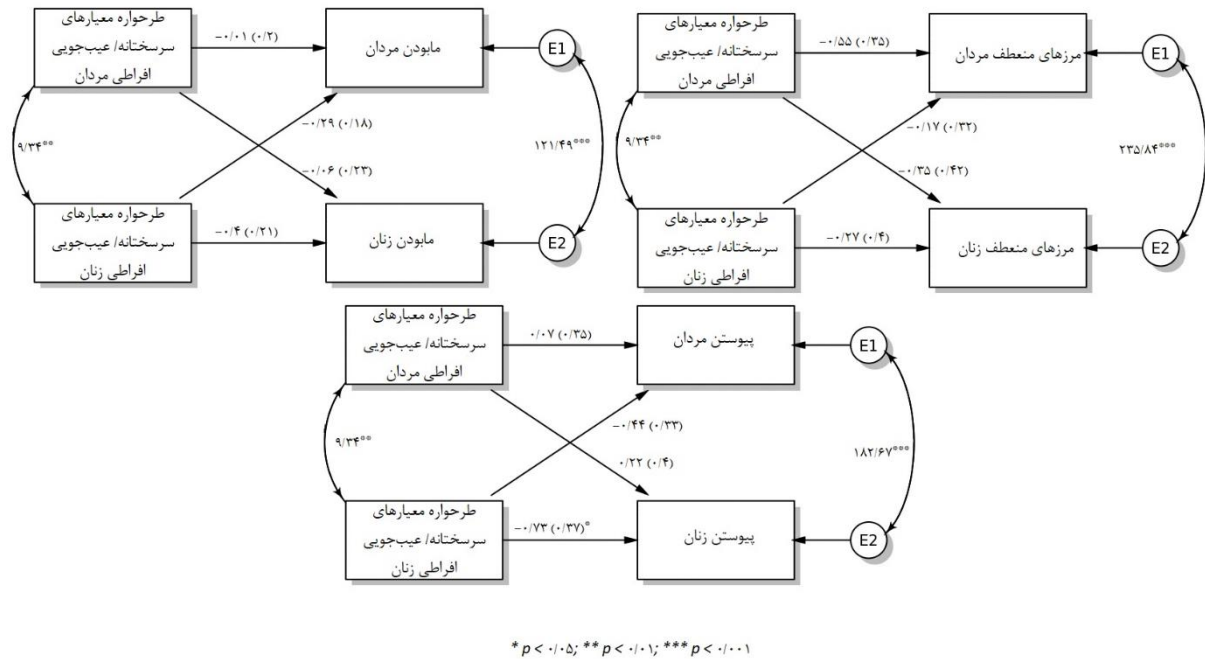
طبق شکل ۱۴، طرحواره بازداری هیجانی در صورت ابتلای زن یا شوهر، مدل سه‌گانه را به صورت کاملاً متضاد تحت اثر منفی معنی‌دار خود قرار می‌دهد. به این صورت که ابتلای شوهر به این طرحواره همه اضلاع مدل سه‌گانه خانواده مربوط



شکل ۱۴. نحوه اثر طرحواره بازداری هیجانی بر مدل سه‌گانه خانواده

وجود این طرحواره در زن هیچ‌یک از اضلاع به غیر از پیوستن زن به خانواده سببی تحت اثر منفی معنی‌دار قرار نمی‌گیرند.

طرحواره معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی مطابق شکل ۱۵ بر مدل سه‌گانه خانواده اثرگذار است. به این ترتیب که وجود این طرحواره در شوهر بر مدل بی‌اثر است و در صورت



شکل ۱۵. نحوه اثر طرحواره معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی بر مدل سه‌گانه خانواده

تنها تاثیر منفی طرحواره معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی در ضلع پیوستن زن مبتلا به طرحواره به خانواده سببی مشاهده می‌شود. با توجه به اینکه استانداردهای زنان در روابط خانوادگی و رابطه با خانواده سببی سختگیرانه‌تر از مردان است (ملک عسگر، موتابی، مظاهری، ۱۳۹۳)، لذا اثر این طرحواره بر روابط زنان با خانواده سببی مضاعف است.

در صورت وجود طرحواره خویشنداری و خودانضباطی ناکافی در شوهر، اضلاع مابودن و پیوستن به خانواده سببی، تحت تاثیر منفی هستند. به نظر می‌آید خصوصیت گریز از تعهد و مسئولیت مرد مبتلا به این طرحواره با نقش پذیرفته شده سرپرستی و مدیریتی وی باعث تضاد و برهم خوردن تعادل در روابط خانواده می‌شود.

بحث

پژوهش با هدف پیش‌بینی اضلاع مدل سه‌گانه خانواده با استفاده از طرحواره‌های ناسازگار اولیه همسران انجام شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد، می‌توان طرحواره‌ها را بر اساس شدت تاثیری که بر اضلاع مدل سه‌گانه خانواده دارند، به سه گروه تقسیم کرد.

دسته اول شامل طرحواره‌های ایثار^۱، معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی^۲، خویشنداری و خودانضباطی ناکافی^۳ و استحقاق/بزرگ‌منشی^۴ است. طرحواره ایثار تنها طرحواره‌ای است که بر هیچ‌یک از اضلاع مدل سه‌گانه خانواده تاثیر منفی معنی‌دار ندارد، این یافته همسو با نتیجه پژوهش پیروی، بهرامی (۱۳۹۶) است.

1. self-sacrifice
2. unrelenting standards/ hyper criticalness
3. insufficient self-control/ self-discipline
4. entitlement/ grandiosity

در صورت ابتلای هر یک از همسران به طرحواره آسیب‌پذیری بزرگ‌منشی، ضلع مرزهای منعطف همسر مقابل تحت تاثیر منفی قرار می‌گیرد. فردی که این طرحواره را دارد معتقد است دیگران باید هرآنچه می‌خواهد را برایش فراهم کنند و در این راه گاهی دست به رقابت افراطی با دیگران می‌زند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). لذا فرد مبتلا به این طرحواره احتمالاً در رابطه با شریک زندگی‌اش خود را محق توجه بیش از اندازه می‌داند و در رقابت افراطی با خانواده سببی برای جلب توجه همسر میانجی قرار گرفته، و بدین ترتیب مرزهای منعطف همسر را با خانواده سببی پایین ارزیابی می‌کند.

زمانی که شوهر این طرحواره را دارد، احتمالاً معتقد است که از دیگران یک سر و گردن بالاتر است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳) است و همراه شدن آن با جایگاه قدرت مردانه وی در خانواده، رابطه او با همسر و خانواده همسر احتمالاً بسیار متوقعانه خواهد بود و بدینگونه، اضلاع مابودن و پیوستن وی به خانواده سببی آسیب می‌بیند. احتمالاً به علت اینکه جایگاه قدرت مرد در خانواده به لحاظ فرهنگی پذیرفته شده‌تر است، علیرغم عدم احساس مابودن شوهران، همسران این افراد با ایشان احساس مابودن دارند.

طرحواره شکست به عنوان پیش‌بینی کننده طلاق عاطفی و عدم صمیمیت زناشویی معرفی شده است (لعل‌زاده کندکلی و همکاران، ۱۳۹۴). بر این اساس، یافته‌های پژوهش اخیر در خصوص عدم احساس مابودن همسران مبتلا به طرحواره شکست تایید می‌شود. همچنین فرد مبتلا به طرحواره شکست در ایجاد مرزهای منعطف با خانواده اصلی دچار مشکل است، با توجه به اینکه طرحواره‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل به‌طور معمول در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که اعتماد به نفس کودک را کاهش می‌دهند، بیش از حد حمایت کننده‌اند و نمی‌توانند کودک را به انجام کارهای بیرون از خانواده تشویق کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳)، چنین به نظر می‌رسد که عدم توانایی این افراد در ایجاد مرزهای منعطف با خانواده اصلی از سبک فرزندپروری خانواده نشأت گرفته باشد. افراد مبتلا به طرحواره وابستگی/ بی‌کفایتی اعتقاد دارند که نمی‌توانند مسئولیت‌های روزمره مانند مراقبت از دیگران، حل مشکلات روزانه، قضاوت خوب، از عهده تکالیف جدید برآمدن و تصمیم‌گیری صحیح را بدون کمک قابل ملاحظه دیگران به درستی انجام دهند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). لذا

در صورت ابتلای هر یک از همسران به طرحواره استحقاق/ بزرگ‌منشی، ضلع مرزهای منعطف همسر مقابل تحت تاثیر منفی قرار می‌گیرد. فردی که این طرحواره را دارد معتقد است دیگران باید هرآنچه می‌خواهد را برایش فراهم کنند و در این راه گاهی دست به رقابت افراطی با دیگران می‌زند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). لذا فرد مبتلا به این طرحواره احتمالاً در رابطه با شریک زندگی‌اش خود را محق توجه بیش از اندازه می‌داند و در رقابت افراطی با خانواده سببی برای جلب توجه همسر میانجی قرار گرفته، و بدین ترتیب مرزهای منعطف همسر را با خانواده سببی پایین ارزیابی می‌کند.

زمانی که شوهر این طرحواره را دارد، احتمالاً معتقد است که از دیگران یک سر و گردن بالاتر است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳) است و همراه شدن آن با جایگاه قدرت مردانه وی در خانواده، رابطه او با همسر و خانواده همسر احتمالاً بسیار متوقعانه خواهد بود و بدینگونه، اضلاع مابودن و پیوستن وی به خانواده سببی آسیب می‌بیند. احتمالاً به علت اینکه جایگاه قدرت مرد در خانواده به لحاظ فرهنگی پذیرفته شده‌تر است، علیرغم عدم احساس مابودن شوهران، همسران این افراد با ایشان احساس مابودن دارند.

هنگامی که زن به این طرحواره مبتلاست و بر کسب قدرت و برتری جویی (موفق، بااستعداد و ثروتمند شدن) تمرکز دارد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳) احتمالاً در کسب تحصیلات و موقعیتهای شغلی و اجتماعی موفق عمل می‌کند. بر اساس نتایج پژوهش پورمحسنی، ظهري، عطادخت، مولایی (۱۳۹۸) مطلوبیت اجتماعی با دلزدگی زناشویی رابطه عکس دارد. می‌توان گفت تحصیلات، موقعیت شغلی، درآمد زنان و کسب مطلوبیت اجتماعی به طور کل به تعدیل توزیع قدرت در خانواده کمک می‌کند و کلیشه‌های سنتی مردسالاری را تضعیف کرده و خانواده را به سوی دموکراسی بیشتر سوق می‌دهد، لذا چنین به نظر می‌آید که توجه به نیازهای این زنان، روابط را در خانواده تنظیم می‌کند.

دسته دوم، طرحواره‌های آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری^۱، شکست^۲، وابستگی/ بی‌کفایتی^۳ و اطاعت^۴ را شامل می‌شود.

1. vulnerability to harm or illness
2. failure
3. dependence/ incompetence
4. subjugation

با طرحواره ایثار است. با اینکه این دو طرحواره هر دو مربوط به حوزه دیگر جهت‌مندی هستند اما طرحواره ایثار برای مدل سه‌گانه خانواده طرحواره‌ای کاملاً بی‌خطر ولی طرحواره اطاعت بسیار مخرب است. چنین می‌نماید که طرحواره اطاعت فرد را در موضع ضعف قرار می‌دهد زیرا شخص برای اجتناب از خشم، محرومیت یا انتقام دیگران به صورت افراطی کنترل خود را به دیگران واگذار می‌کند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). در حالی که طرحواره ایثار باعث حساسیت بیش از حد فرد نسبت به نیازها و درد و رنج دیگران می‌شود (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳) که این امر می‌تواند باعث مقبولیت اجتماعی شخص شود. احتمالاً قرار گرفتن فرد در موضع قدرت و ارزیابی شدن به عنوان ناجی از سوی اطرافیان، باعث می‌شود که این طرحواره بر اضلاع مدل سه‌گانه خانواده تاثیر منفی نداشته باشد.

دسته سوم، طرحواره‌های با تاثیرات متفاوت بر اضلاع مدل سه‌گانه خانواده هستند. طرحواره‌های این دسته در صورت ابتلای زن یا شوهر به صورت متفاوتی بر مدل سه‌گانه خانواده اثرگذارند. اغلب ابتلای شوهران آسیب بیشتری به مدل وارد می‌کند. این دسته شامل طرحواره‌های بی‌اعتمادی/ بدرفتاری^۱، نقص/ شرم^۲، محرومیت هیجانی^۳، انزوای اجتماعی/ بیگانگی^۴، بازداری هیجانی^۵، خود تحول نیافته/ گرفتار^۶، رهاشدگی/ بی‌ثباتی^۷ است.

در صورت ابتلای هر یک از همسران به طرحواره بی‌اعتمادی/ بدرفتاری ضلع پیوستن به خانواده سببی تحت تاثیر منفی طرحواره قرار می‌گیرد، در تبیین این یافته می‌توان به سوءظن این افراد به اطرافیان و تمایل ایشان به فاصله گرفتن از سایرین (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳) اشاره کرد. همچنین این افراد در ضلع مرز با خانواده اصلی تحت تاثیر منفی طرحواره نیستند و می‌توانند از خانواده اصلی خود فاصله لازم را حفظ کنند. با توجه به اینکه این طرحواره در خانواده‌های بی‌عاطفه، سرد، مضایقه‌گر، منزوی، تندخو، غیرقابل پیش‌بینی یا بدرفتار به وجود می‌آید (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳)، احتمالاً این افراد به دلیل مورد آزار و اذیت قرار گرفتن از جانب خانواده اصلی از آن‌ها فاصله می‌گیرند

به نظر می‌آید این افراد در انجام مسئولیت‌های مورد انتظار در روابط زناشویی که مستلزم حمایت و پشتیبانی است دچار ضعف باشند در نتیجه عدم احساس مابودن خودشان و همسرشان دور از انتظار به نظر نمی‌آید. از آنجا که این طرحواره نیز مشابه طرحواره شکست در حوزه خودگردانی و عملکرد مختل در خانواده‌های بیش از حد حمایت‌کننده شکل می‌گیرد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳)، احتمالاً سبک فرزندپروری خانواده علت عدم توانایی آتی فرزندان برای ایجاد مرزهای منعطف می‌باشد. مشابه طرحواره‌های شکست و آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری در این طرحواره نیز، احتمالاً خانواده مرد در صدد اصلاح رابطه زوج برآمده و ضلع پیوستن زن (همسر مرد مبتلا به طرحواره) به خانواده سببی را تقویت کرده‌اند. چنین می‌نماید که ابتلای زن به این طرحواره جایگاه قدرت مرد را در خانواده تقویت می‌کند لذا مرد نیازی به دریافت خدمات حمایتی و اصلاح رابطه از طریق پیوستن به خانواده همسر احساس نمی‌کند.

طرحواره اطاعت مخرب‌ترین اثر را بر مدل سه‌گانه خانواده دارد و در صورت ابتلای هر یک از همسران به این طرحواره همه اضلاع مدل تحت تاثیر منفی قرار می‌گیرند. بر اساس نتایج پژوهش ایزدی، رضایی، ظهیرالدین و محسن‌زاده (۱۳۹۷) چند طرحواره از جمله طرحواره اطاعت در پیش‌بینی رضایت زناشویی اثر منفی دارند که با یافته پژوهش حاضر در مورد عدم احساس مابودن زوجین همسو می‌باشد. با توجه به اینکه افراد مبتلا به این طرحواره در روابط بر این باورند که تمایلات، عقاید و احساساتشان برای دیگران ارزش ندارد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳)، چنین به نظر می‌آید عدم توانایی این افراد در پیوستن به خانواده سببی از این ویژگی‌های شناختی نشأت گرفته از طرحواره بوجود آمده باشد، همچنین این افراد در روابط به صورت افراطی کنترل خود را به دیگران واگذار می‌کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳) احتمالاً همین مسئله باعث می‌شود همسرانشان مرزهای ایشان با خانواده را ناکافی گزارش کنند.

نکته‌ای که در مورد طرحواره اطاعت بسیار درخور توجه است، تفاوت عمده تاثیر این طرحواره بر مدل سه‌گانه خانواده

1. mistrust/ abuse
2. defectiveness/ shame
3. emotional deprivation
4. social isolation/ alienation
5. emotional inhibition
6. enmeshment/ undeveloped self
7. abandonment/ instability

آن یکی از زوجین خواهان افزایش صمیمیت و دیگری گریزان از افزایش صمیمیت است و با کناره‌گیری و انفعال واکنش نشان می‌دهد و این الگو معمولا به شکل زن متقاضی - مرد کناره‌گیر بروز می‌کند (شاهمرادی، اعتمادی، بهرامی، فاتحی - زاده، احمدی، ۱۳۹۳). چنین به نظر می‌آید در صورت ابتلای شوهر به این دو طرحواره، کناره‌گیری او در روابط تشدید می‌شود و در دراز مدت باعث کاهش مابودن و پیوستن به خانواده سببی و در نهایت تاثیر منفی بر همه اضلاع مدل سه‌گانه می‌شود. در حالی که ابتلای زن به این طرحواره‌ها احتمالا باعث تعدیل برونگرایی و برقراری روابط اجتماعی و صمیمی و ایجاد الگوی غیرتعقیبی در رابطه با همسر و روابط متعادل با خانواده سببی و خانواده اصلی می‌شود.

با توجه به اینکه افراد مبتلا به طرحواره خود تحول نیافته/ گرفتار تمایل شدیدی به برقراری رابطه بسیار صمیمانه و نزدیک با والدین خود و مخصوصا مادرشان دارند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳)، بدیهی است که مرزهای این افراد با خانواده اصلی ناکافی گزارش باشد. وجود این طرحواره در شوهران با نقش سرپرستی و مدیریتی و استقلال مورد انتظار از مرد در تضاد است لذا اضلاع مابودن و پیوستن آسیب می‌بیند. چنین به نظر می‌رسد که ابتلای زن به این طرحواره که وابستگی و نیاز به حمایت از مشخصه‌های آن است از طرف مرد و خانواده سببی مورد پذیرش واقع می‌شود و به اضلاع مدل آسیب عمده - ای وارد نمی‌کند.

نکته قابل توجه در تبیین اثر طرحواره رها شدگی/ بی-ثباتی، عدم تاثیر منفی طرحواره رهاشدگی/ بی‌ثباتی (زن و شوهر) بر مابودن فرد مبتلا به طرحواره در مدل سه‌گانه خانواده است. با توجه به اینکه افراد مبتلا به این طرحواره غالبا از خانواده‌های سرد، بی‌عاطفه و مضایقه‌گر آمده‌اند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳)، و در مقابل رابطه زناشویی رابطه‌ای است که در آن سطحی از صمیمیت بین همسران وجود دارد لذا احتمالا افراد مبتلا به این طرحواره در روابط زناشویی خود در ارزیابی مابودن سهل‌گیرانه‌تر هستند. از آنجا که افراد مبتلا به طرحواره رهاشدگی/ بی‌ثباتی در کودکی پیوند عاطفی قوی و باثبات با افراد مهم زندگی خصوصا والدین را تجربه نکرده‌اند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳)، این افراد مرزهای همسرشان با خانواده سببی را ناکافی گزارش می‌کنند. چنین به نظر می‌آید از نظر آنها سطح موجود رابطه همسر با خانواده اصلی خودش بیش از حد صمیمی است. یانگ و همکاران (۲۰۰۳) رفتارهای

افرادی که طرحواره نقص/ شرم دارند معتقدند فردی ناقص، معیوب، حقیر، بد، بی‌ارزش یا دوست‌نداشتنی اند. در نتیجه آنها اغلب در مورد وجود خود احساس شرمندگی می‌کنند. مشاهدات بالینی نشان داده‌اند اختلال شخصیت اجتنابی، شایعترین نمود طرحواره نقص است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). در صورت ابتلای شوهر به این طرحواره، مدل سه‌گانه تحت تاثیر عمده است و ضلع مابودن دو سویه اثر منفی می‌پذیرد؛ زیرا در خانواده‌هایی که شوهر فرد اجتنابی است، به دلیل نقش موثر مردان در تعاملات زناشویی و خانوادگی و سرایت ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها به کلیه روابط موجود در خانواده، اعضای خانواده نسبت به نیازهای هیجانی یکدیگر پاسخگو نیستند، عواطف در این خانواده‌ها محدود است و تعارض، خصومت و مشکلات ارتباطی بین اعضای خانواده وجود دارد (روحی، جزایری، فاتحی‌زاده، اعتمادی، ۱۳۹۷). افراد مبتلا به این طرحواره در روابط صمیمی و اجتماعی احساس نقص و بی‌کفایتی می‌کنند و از برقراری رابطه با دیگران می‌ترسند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳)؛ احتمالا این ویژگی مانع پیوستن این افراد به خانواده سببی می‌شود و فرد مبتلا به طرحواره انتظار دارد همسرش مرزهای سخت‌تری داشته باشد. مطابق یافته‌ها ضلع مرز همسر فرد مبتلا به طرحواره تحت تاثیر منفی است. در صورت ابتلای زن به این طرحواره، همسر همچنان می‌تواند احساس مابودن داشته باشد، که عکس این مطلب صادق نمی‌باشد. چنین به نظر می‌آید که ویژگی‌های این طرحواره با نقش‌های جنسیتی زنانه تداخلی ندارد اما با نقش‌های کلیشه مردانه در تضاد است.

مشخصه بارز طرحواره محرومیت هیجانی عدم انتظار افراد به دریافت محبت، همدلی و حمایت از دیگران است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳)؛ لذا تاثیر منفی این طرحواره بر مابودن شخص مبتلا و پیوستن وی به خانواده سببی دور از انتظار نیست. ابتلای زن به طرحواره محرومیت هیجانی صرفا اضلاع مابودن و پیوستن خودش به خانواده سببی را تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد اما در صورت ابتلای شوهر به این طرحواره مدل سه‌گانه خانواده در همه اضلاع تحت تاثیر منفی قرار می‌گیرد. نکته قابل توجه در خصوص طرحواره انزوای اجتماعی/ بیگانگی و طرحواره بازداری هیجانی تاثیر منفی ابتلای شوهر بر همه اضلاع مدل و عدم تاثیر منفی ابتلای زن بر اضلاع مدل سه‌گانه خانواده است. یکی از رایج‌ترین الگوهای تعاملی میان زوجین چرخه ارتباطی ناکارآمد تقاضا-کناره‌گیری است، که در

خانواده سببی می‌تواند تنها رشته اتصال حفظ کننده رابطه زوج باشد. استفاده از نمونه در دسترس، محدودیت عمده پژوهش در تعمیم‌پذیری یافته‌ها می‌باشد. انجام پژوهش در جوامع بزرگتر و با استفاده از نمونه تصادفی لازم به نظر می‌رسد. نتایج پژوهش حاضر جنبه پیش‌بینی‌کنندگی برای کیفیت روابط زناشویی و کیفیت روابط همسران با خانواده‌های اصلی و سببی دارد. بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان بسته‌های خاص تشخیصی و آموزشی برای گروه‌های در آستانه ازدواج یا در سال‌های آغازین زندگی مشترک طراحی و میزان اثربخشی را مطالعه نمود.

از آنجا که سبک‌های مقابله‌ای و ذهنیت‌های طرحواره‌ای در تولید رفتارهای ناشی از طرحواره نقش دارند و باعث بوجود آمدن رفتارهای متفاوت تحت طرحواره‌های یکسان می‌شوند، مطالعه تاثیر سبک‌های مقابله‌ای و ذهنیت‌های طرحواره‌ای بر اضلاع مدل سه‌گانه خانواده در شناخت عمیق‌تر از زوج‌های ایرانی کمک‌کننده خواهد بود. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر در طرحواره‌های متعدد نحوه اثر طرحواره‌های زنان و مردان بر مدل سه‌گانه با هم متفاوت هستند، بنابراین مطالعه در گروه‌های مجزای زنان و مردان با اهمیت به نظر می‌آید. مطالعات کیفی عمیق در خصوص نحوه تاثیر طرحواره‌های زنان و مردان بر اضلاع مدل سه‌گانه خانواده و علل تفاوت اثر طرحواره‌های زنان و مردان بر مدل سه‌گانه پیشنهاد می‌شود.

و غیر متقاضی طلاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده درمانی. دانشگاه شهید بهشتی.

ایزدی، م.، رضایی، ع. م.، ظهیرالدین، ع.، محسن‌زاده، ی.

(۱۳۹۷). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دل‌بستگی با

رضایت زناشویی در متقاضیان طلاق. نشریه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی البرز، ۷، ۷۲-۶۱.

پورمحسنی، ف.، ظهیری، ن.، عطادخت، ا.، مولایی، م. (۱۳۹۸).

نقش ابعاد تاریک شخصیت، تمایز یافتگی و نقش‌های جنسیتی در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی. روانشناسی خانواده، ۲، ۵۶-۴۳.

شاخص افراد مبتلا به این طرحواره را انحصارطلبی، کنترل-کنندگی و رقابت با رقیب‌های عشقی معرفی می‌کنند که احتمالاً باعث می‌شود همسران مردان مبتلا به این طرحواره با ایشان احساس مابودن نداشته باشند.

به طور کلی می‌توان گفت، طرحواره‌های همسران می‌تواند بر نقش‌های جنسیتی پذیرفته شده اثرگذار باشد. آن‌ها می‌توانند بعضی نقش‌های مورد انتظار را تقویت کرده و برخی را تضعیف کنند که به بر هم خوردن توازن در اضلاع مدل منجر می‌شود.

از زاویه فرهنگ نیز، ویژگی‌های بعضی طرحواره‌ها برای زنان و بعضی برای مردان راحت‌تر پذیرفته می‌شود. در فرهنگ ایرانی فرزندان دختر بیشتر در جهت ویژگی‌های طرحواره نقص/شرم و فرزندان پسر در جهت ویژگی‌های طرحواره استحقاق/بزرگ-منشی تربیت می‌شوند (چراغی، ابراهیمی، ۱۳۹۷)، لذا در روابط آینده خانوادگی نیز همسران و خانواده‌های اصلی آن‌ها این طرحواره‌ها را راحت‌تر می‌پذیرند. در غالب طرحواره‌هایی که با مکانیزم متفاوتی در زنان و مردان بر اضلاع مدل تاثیر می‌گذارند مشاهده می‌شود که آسیب‌پذیری و اختلال مرد تاثیر منفی عمده‌ای بر روابط خانوادگی دارد و در مقابل گویا آسیب-پذیری زن راحت‌تر پذیرفته می‌شود.

در این پژوهش نقش مهم خانواده‌های اصلی همسران در حفظ ازدواج مشهود است. در مواردی که غالب اجزای مدل تحت آسیب ناشی از طرحواره‌هاست، ضلع پیوستن زن به

منابع

آهی، ق.، محمدی‌فر، م. ع.، بشارت، م. ع. (۱۳۸۶). پایایی و اعتبار

فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ. روانشناسی و علوم تربیتی، ۷۶، ۲۰-۵.

ابراهیمی، م. (۱۳۹۶). مقایسه مولفه‌های مدل سیستمی مثلثی

خانواده ایرانی در همسران با و بدون قومیت مشترک. پایان-

نامه کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده درمانی. دانشگاه شهید بهشتی.

اسدزاده گلجاهی، م. (۱۳۹۵). بررسی مدل سیستمی مثلثی

خانواده ایرانی- مرز، اتحاد، پیوستگی- در همسران متقاضی

- پیروی، م.، بهرامی، ه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه زوجین و سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل واحد علوم تحقیقات تهران. *رویش روانشناسی*، ۱۸، ۱۵۸-۱۳۱.
- چراغی، م.، مظاهری، م. ع.، موتابی، ف.، پناغی، ل.، صادقی، م.، سلمانی، خ. (۱۳۹۶). مقیاس سیستمی- مثلثی خانواده: ابزاری برای سنجش روابط همسران و خانواده‌های اصلی آن‌ها. *خانواده پژوهی*، ۵۱، ۳۶۰-۳۴۳.
- چراغی، م.، ابراهیمی، م. (۱۳۹۷). تحلیل روانشناختی رابطه والد-فرزند در ضرب‌المثل‌های ایرانی: یک پژوهش کیفی. *خانواده پژوهی*، ۵۵، ۴۱۰-۳۸۳.
- رستمی، م.، نوابی‌نژاد، ش.، فرزاد، و. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی مشکلات زوجین در مرحله نامزدی: یک مطالعه کیفی. *روانشناسی خانواده*، ۱، ۵۵-۶۸.
- روحی، ع.، جزایری، ر.، فاتحی‌زاده، م.، اعتمادی، ع. (۱۳۹۷). شخصیت‌های اجتنابی در تعاملات زناشویی: یک مطالعه کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۱، ۸۷-۷۲.
- زمانی‌فر، ل. (۱۳۹۵). عوامل موثر بر هویت زوجی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده درمانی. دانشگاه شهید بهشتی.
- شاهمرادی، س.، اعتمادی، ع.، بهرامی، ف.، فاتحی‌زاده، م.، احمدی، ا. (۱۳۹۳). رابطه بین کلیشه‌های جنسیتی، احساس قدرت زوجین و متغیرهای جمعیت‌شناختی با چرخه ارتباط زناشویی تقاضا-کناره‌گیری. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۱، ۱۱۰-۱۰۱.
- کارآیین، ش. (۱۳۹۶). مقایسه مولفه‌های مدل سیستمی مثلثی خانواده در مراحل مختلف چرخه زندگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده درمانی. دانشگاه شهید بهشتی.
- لعل‌زاده کندکلی، ا.، اصغری ابراهیم‌آباد، م.، و حصارسرخ، ر. (۱۳۹۴). بررسی نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش-بینی طلاق عاطفی. *مجله روانشناسی بالینی*، ۲، ۱۰۹-۱۰۱.
- محب، ع. (۱۳۹۶). ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی همسران با مدل نظری سیستمی مثلثی خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده‌درمانی. دانشگاه شهید بهشتی.
- ملک‌عسکر، س.، موتابی، ف.، مظاهری، م. (۱۳۹۳). مقایسه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک، استانداردهای ارتباطی و رضایت زناشویی در افراد ساکن تهران در طول سه نسل اخیر. *خانواده‌پژوهی*، ۳۸، ۱۵۷-۱۳۷.
- یانگ، ج.، کلوکسو، ژ.، ویشار، م. (۲۰۰۳). طرحواره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۸۶). تهران: انتشارات ارجمند.

References

- Cheraghi, M., Mazaheri, M. A., Motabi, F., Panaghi, L., Sadeghi, M.S. (2019). *Beyond the Couple: A Qualitative Analysis of Successful In-law Relationships in Iran*. *Family process*, 58, 936-953.
- Dumitrescu, D., S.Rusu, A. (2012), *relationship between early maladaptive schemas, couple satisfaction and individual mate value: an evolutionary psychological approach*. *Journal of cognitive and behavioral therapies*, 12, 63-76.
- Eftekhari, A., Hejazi, M., Yazdani, Kh. (2018), *predicting marital satisfaction through early maladaptive schemas and communication styles of couples*. *International journal of psychology*, 12, 118-146.
- Koruk, S. (2017). *Early maladaptive schemas and attachment styles predicting tendencies in intimate relationship*. *European journal of education studies*, 3, 393-411.

Paim, K., Madalena, M., Falcke, D. (2012), *early maladaptive schemas in marital violence*. Revista Brasileira de Terapias Cognitivas, 8, 31-39.

Stas, L., Kenny, D.A., Mayer, A. and Loeys, T. (2018). Giving Dyadic Data Analysis Away: A User-Friendly App for Actor-Partner Interdependence Models. *Personal relationships*, 25, 103-119.